

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: چکیده ای از کتاب اصول تربیت

اخلاقی کاربردی در اسلام

تنظیم کننده: حسین دولت دوست

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

دانشگاه اصفهان

استاد گرانقدر: جناب آقای دکتر نوروزی

مقدمه :

مکاتب مختلف هر یک روش خاصی را جهت تربیت اخلاقی آدمی مطرح می کنند و به تناسب وسعت و جهت دید آن مکتب نسبت به چگونگی جهان و انسان درقبال نحوه اعمال روش خودارائه طریق می نمایند. مکاتب مختلف به دلایل متعددی چون محدودیت دایره علم و آگاهی، ویژگی های شخصی و شخصیتی بنیان گذاران آن مکاتب هر کدام انسان را از منظره نگرسته و بر آن اساس قالبی بر او می سازد اما دو نگرش اسلامی جهان هستی هر موجودی به تناسب ظرفیت وجود خویش جلوه های حقوقی خود را در عرصه هستی آشکار می سازد. انسان در دایره خلقت در نظام آفرینش جایگاه ویژه ای دارد به لحاظ تکوینی در جهت نیل به کمال از وجود نیرهای چون قوه عقل و خرد و اراده برخوردار است اسلام به عنوان یک دین همه جانبه اساس و مبانی تربیت اخلاقی خود را بر پایه اعتقاد و بیان ذات خداوند قرار داده. تأثیر اخلاق در زندگی انسان ها در بعد فردی و اجتماعی امری قابل توجه و تأمل است و سلامت و آرایش روانی هر انسانی تا حد زیادی مربوط خلق و خودی او می باشد. نظر به اینکه انسان موجودی است تربیت پذیر بر اساس آموزش که در زندگی با آنها مواجه می شود شخصیت او شکل می گیرد و هدف از خلقت انسان رسیدن به قرب الهی است و برای رسیدن به این هدف ایجاد بهتر مناسب در وجود انسان رسیدن می باشد بنابراین به دلیل ضرورتی که بدان اشاره شد نظری خواهیم داشت بر آنچه که اسلام برای تربیت اخلاقی انسان لازم دانسته اند.

جایگاه انسان در نظام اخلاقی اسلام: در نظام اخلاقی اسلام انسان فقیر نیازمند و وابسته محض است و خداوند غنی مطلق و انسان ها پایه به رابطه مخلوق و خالق توجه کنید و روابط خود را تنظیم کند.

مسئله اخلاق (ریشه ها و منابع)

اخلاق در فطرت انسان: اگر ما برای انسان یک سلسله ویژگی ها در اصل آفرینش قائل باشیم مفهوم فطرت را می دهد فطرت انسان یعنی ویژگی هایی در اصل آفرینش انسان فطرت مانند طبیعت و غریزه یک امر تکوینی بعضی جز سرشت انسان است.

اخلاق در قرآن: قرآن کریم حسن اخلاقی و عناصر حیات اخلاقی از فطرت درونی می داند و بدین سان قانون اخلاقی در نفس انسان از آغاز نقش بسته است (وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّيْهَا فَالْهَمَّهَا مُجُورَهَا وَ تَقْوِيهَا) قرآن اشاره دارد به بعثت پیامبری که خود معلم اخلاق است و با هدف نزدیکه نفوس انسان ها بر انگیزخته شده است در حالی که پیش از ایشان همین انسان ها در گمراهی آشکار به سر می برند.

اخلاق در نیت: مسئله اخلاق . رعایت اصول اخلاقی در سیره اخلاقی معصومین اصلی مهم و ستوده است همواره مورد عنایت آنان بوده است. حضرت محمد (ص) اساس بعثت خود را تکمیل مکرمت اخلاق انسان می دانند.

اخلاق و عقل: امام صادق می فرمایند هر که عقل داشته باشد. بدون تردید آیینی خواهد داشت و هر که آیینی داشته اشد، بی تردید به بهشت وارد خواهد شد. پیامبر می فرمایند: پایه و اساس وجودی انسان وابسته به عقل و خرد اوست این روایات گویای آن است که رسیدن به کمالان اخلاقی در پرتو نیروی خرد و عقل امکان پذیر است.

اخلاق در تجارب دیگران: نخستین کسی که علم اخلاق را تأسیس کرد. امیر المؤمنین علی (ع) بود در نامه ای که به فرزندش امام مجتبی (ع) نوشته، اساس و ریشه مسائل اخلاقی را

تبیین نموده و ملکات و فضیلت و صفات رذیلت را در آن به عالی ترین وجه تحلیل بررسی کرده است.

مفهوم تربیت: برای تربیت تعاریف متعددی شده که در زیر به برخی اشاره می کنیم

تربیت عمل آمادگی فرد برای سازگاری مثبت با من است. تربیت مجموعه راه ها و روش هایی است که برای رشد و تکامل توانایی ها، نظرات و دیگر اشکال رفتارش که در جامعه وی ارزش مثبت دارند در پیش می گیرد.

تربیت اخلاقی: در واقع ایجاد تحول و تعبیری است که ابعاد فکری، احساس و رفتاری فرد را در می گیرد. در بعد فکری بعضی ایجاد توانایی ای که امور خوب را از بد بتواند تمیز دهد. در جنبه احساسی، پرورش احساسات مطلوب در شخص باید صورت گیرد. مانند دشمن ستمگر و یار ستم دیده بودن، حس علامت خواهی به لحاظ رفتاری فرد با داشتن قضاوت درست اخلاقی و احساسات مطلوب بتواند به تناسب آن رفتاری سنجیده از خود بروز دهد.

اهمیت و ضرورت تربیت اخلاقی: اخلاقیات در ادیان آسمانی به ویژه دین اسلام اهمیت بسیار والایی دارد. اصلاح اخلاق انسان ها و آراستگی به مکارم و مبارزه با مفسد اخلاقی یکی از اهداف مهم پیامبران بوده. اخلاقیات از دو جهت در زندگی انسان ها اهمیت دارد نخست: مکارم اخلاق در زندگی از ارزشهای انسانی هستند که روح مجرد و ملکوتی او تناسب و صنخیت دارد. دوم، اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها نیز تأثیر دارد. سلامت و آرامش روانی هر انسانی تا اندازه زیادی به خلق و خوی او بستگی دارد.

تربیت اخلاقی در نظریه اخلاقی پیشینیان

۱. نظریه های انسان گرانه: راجرز یک روان درمانگر است و به مراجع محوری توجه می کند در تربیت نیز به کودک محوری نظر دارد به نظر او آغاز کار تربیت: یعنی برقرار کردن رابطه، باید به این کودک محوری متکی باشد و از کنترل به دور باشد. برخورد تربیتی باید به گونه ای باشد که با اساسی فرد را بپذیریم و به خود او و افکار و احساساتش احترام بگذاریم.

۲. نظریه رفتارگرایان: از دیدگاه یک رفتارگر اسکینر تربیت اخلاقی این خواهد بود که چگونه و از چه راه هایی می توان احتمال بروز آن دسته از رفتارهای فرد را که طبق درخواست های یک نظام اجتماعی است افزایش داده و اصول تقویت را باید در نظر داشته باشیم اصل اول تقویت باید به بروز رفتار مناسب مربوط باشد. اصل دوم- رفتار مناسب باید فوراً تقویت شود. اصل سوم: باید رفتار مطلوب را هر زمان که نشان داده شد تقویت کرد اصل چهارم: وقتی رفتار به سطح رضایت بخشی رسید باید آن را به طور متناوب تقویت کرد اصل پنجم: تقویت کننده های اجتماعی باید همیشه با تقویت کننده های ملموس به کار گرفته شود.

۳. نظریه تحول شناختی: ژان پیاژه نماینده ی این تفکر می باشد و مطالعات خود را بر روی محتول ذهنی کودک و مراحل آن گذشته. در این نظریه اخلاق مطلوب پس از آماده کردن مبانی لازم دست یافتنی خواهد بود. دوره اصلی تحولی اخلاق از نظر پیاژه دوره احترام متقابل است.

۴. نظریه تحلیل روان: روشهای که نظریه تحلیل روان برای تربیت اخلاقی فراهم آوردن عبارتند:

الف) پیش گیری از واپس زنی: از آنجا که مشکلات اخلاقی زاینده و واپس زنی نیازهای ارضا نشده دوران کودکی است. رفتار والدین یا کودک به گونه ای باشد که به این انواع واپس زنی دامن زند.

ب) خود آگاهی: پاره ای از مردم به دلیل اختلال های عاطفی نمی توانند داروی اخلاقی درست داشته باشند. برای تربیت اخلاقی این افراد باید بصیرت آنها را گسترش داد.

پ) باز پروری عاطفی: همان خود آگاهی است، تصحیح برداشت های نادرست اوست به خود دها و رفتارهایی که اختلال های مزبور را موجب شده.

ت) تصعید: محرکهایی یا جنبه جنبی به صورت رفتارهای غیر جنبی آشکار می شود.

محرک های جنبی که در دوره های دهانی منفی مقعدی و تناسلی وجود داشت می تواند به صورت بازی با مدفوع ظاهر شود.

تربیت اخلاقی بر قرآنی و روایات:

۱. **تربیت اخلاقی از نظر قرآن کریم:** از مسائلی که در قرآن به لحاظ اخلاقی بدان پرداخته شده. ادب شکر گزاری و خاضع و خاشع بودن در مقابل خداوند است، او ویژگی های دیگر در تربیت اخلاقی که قرآن به آن پرداخته فروتنی، فداکاری، حسن خلق و هم موردی با دیگر انسان هاست.

۲. **تربیت اخلاقی در روایات اسلامی:** در حدیث معرفی در کتاب اصول کافی از اما صادق نقل شده که فرمودند لشکریان عقل و جهل را بشناسید تا هدایت شوید. حضرت علی فرمودند با ارزشترین اخلاق اسلامی سخاوت و پر سودترین علامت است.

پایه اخلاق

۱. **بایدها و نبایدها** در اخلاق از آنجا که انسان موجودی ادراکی است و کارهای خود را با اخطار و اراده انجام می دهد تا آنها که می فهمد آنها را بر اساس باید و نباید تنظیم کی کند. معیار و محور فرق باید و نباید اعتباری و حقیقی، حرف ادراک و شعور و اراده نیت بلکه مدار تکلیف است. اگر موجودی مانند انسان با ادراک و شعور و اراده کار کند و مکلف باشد محکوم قوانین اخلاقی و فقهی است.

۲. **فضیلتها:** فضایل اخلاقی در رشد و اعتلای انسان اهمیت ویژه ای دارد. فضایل چهارگانه اخلاق عبارتند از نفس ناطقه که شامل دو قوه ادراک و تحریک است که قوه ادراک شامل دو شاخه عقل نظری که صور علمیه را می پذیرد و عقل علمی که مبدأ به حرکت در آوردن بدن در اعمال جزئی است. از طریق تفکر نفس دارای چهار قوه عاقله و شهویه و غضیه است.

۳. **اخلاق و معرف:** معرفت هم در تحصیل اخلاق و هم در تغییر آن مهمترین نقش را دارد. **معرف دو قسم است** ۱. معرفتهای حصولی ۲. معرفتهای حضوری و نقش معرفتهای حضوری و شهودی قوی تر و تأثیر گذارتر از معرفتهای حصولی و مفهومی است. بغضی اگر انسان فضیلت اخلاق با معرفت حضوری آسانتر است.

۴. **اخلاق و انگیزه:** از موضوعاتی که در اخلاق اسلامی مطرح شده نیت کار انگیزه ای است که انسان را وادار به انجام آن می کند. یعنی نیت را به عنوان اساسی ارزش اخلاقی و منشأ خوبیها و بدیها معرفی می کند و یک فرق کلی بین نظریه های اخلاقی دیگر می باشد. منظور از نیت همان انگیزه کار است. هیچ کار اختیاری بدون یک نیت و انگیزه انجام نمی گیرد و اینکه کاری ارزش اخلاقی پیدا کند نه تنها حسن فعل بلکه حسن فاعلی نیز لازم است.

۵. **اخلاق و تغییر پذیری:** یکی از مباحث علم اخلاق این است که آیا اخلاق قابل تغییر است یا نه؟ رسطو بر این باور است که اخلاق جز و عادت تغییر پذیر و تحول یاب است. اما افلاطون معتقد است که اخلاق برد و قسم طبیعی و کسی است که بخشی طبیعی آن قابل تغییر نیست اخلاق و تغییر پذیری در آیات و روایات اسلامی نیز مطرح شده. تمام آیاتی که خطا به همه انسانها به عنوان بنی آدم، یا ایها الناس می باشد بهترین دلیل بر امکان تغییر اخلاق رذیله و اصلاح صفات ناپسند است. در حدیثی امام علی که می فرمایند: ارزش و کیفیت انسان به اخلاق پسندیده و اجتناب و دوری از اخلاق پست است دلیلی برای تغییر اخلاق می باشد.

روشهای سازنده اخلاق

۱. روش هدایت در پرورش اخلاق در اهمیت هدایت دیگران هر مسلمانی موظف است با دعوت مسلمانان به سوس خداوند متعال بر دانش و بینش به ابعاد وجود آنان بیفزاید موجب رشد آنان گردد. زمانی امر هدایت حاصل می شود که هادی شرایط مطلوب هدایت را تحصیل کند و صلاحیت لازم را کسب کند.

هدایت عبارت است از نشان دادن هدف به وسیله نشان دادن راه و این خود یک نحو رساندن به هدف است. به عبارتی دیگر هدایت بعضی تعیین کمال مناسب یک شیء و راه رسیدن به آن هدایت دو نوع است الف) هدایت تکوینی که در تمام موجودات جهان وجود دارد. منظور از هدایت تکوینی رهبری موجودات به وسیله پروردگار زیر پوشش نظام آفرینش و قانونمندی های حساب شده جهان هستی.

ب) هدایت تشریحی که به وسیله پیامبران و کتابهای آسمانی انجام می گیرد و انسانها با تعلیم و تربیت آنان در مسیر تکامل پیش می روند.

قلمرو و مراحل هدایت: قلمرو و هدایت به وسعتپهنه عالم هستی است و تمام موجودات را در بر می گیرد مراحل هدایت در نظر قرآن در سه بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی ارائه می گردد.

الف) هدایت در بعد فردی: خداوند در ابتدای نهضت اسلام از بنی اکرم که رسالت عظیم هدایت بشر بر دوش آن حضرت باید گذاشته می شد می خواهد که از حالت معمولی که دیگر انسان ها در آن قرار دارد در آید و خود را از ناپلیدی دور کند. بحث هدایت فردی به شخص حضرت محمد ختم نمی شود بلکه خداوند به ایمان آوردگان می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما با مراقب از خودتان.

ب) هدایت د بعد خانوادگی: اولین مکتبی که سلامت و سعادت جامعه را تضمین می کند کانون خانواده است. از این دو در قرآن پس از هدایت فردی به هدایت خانوادگی اشاره شده ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده تان را از آتش دوزخ نگهدارید.

پ) **هدایت در بعد اجتماعی:** بعد از خانواده رکنی که هدایت انسان ها تأثیر تعیین کننده است اجتماعی است. فرد و جامعه بر یکدیگر اثر گذار هستند همانطور که فرد می تواند جامعه ای را معقول کند جامعه در تغییر تفکر و منش انسانها اساسی دارد.

ویژگی های هدایت در مکتب اسلام: ۱. توجه به قوتها و پوشاندن ضعفهای دیگر ۲. برخورد متناسب با قدرت درک و فهم مخاطب ۳. معاشرت و همنشینی با نیکان.

۲. روش الگویی: یکی از گرایشهای درونی انسان حس تقلید و پیروی از دیگران است به گونه ای که از آغاز کودکی این گرایش به روشنی دیده می شود. رفتارهای کودک در این دوران عمدتاً با تقلید از طرفیان صورت می گیرد. رد بزرگسالی نیز بسیاری از ویژگیها و رفتارهای فردی و جمعی متأثر از محیط پیرامونی است.

از ویژگی های متعالی مکتب اسلام وجود الگوهای برجسته و ممتازی چون حضرت رسول است حضرت نوح (ع) نماد مقاومت و پایداری در دعوت به حق بود، حضرت یوسف (ع) در پاکدامنی از شودت سرآمد است. اینها نمونه هایی از الگوهای و برگزیدگان است.

وظایف الگو در اجرای روش تربیت اخلاقی: ۱. تأدیب خود پیش از تأدیب دیگران ۲. اصلاح دوران لازمه اصلاح جامعه است ۳. در مسیر اصلاح نباید به عیب جویی از دیگران پرداخت ۴. ضرورت محاسبه نفس خود قبل از اینکه به حساب دیگران بپردازیم ۵. پرهیز از انجام کاری که تشخیص می دهی برای دیگران پسندیده نیست ۶. پرهیز از تفخر ۷. در مسیر اصلاح منت گذاردن موجب تباه عمل می گردد.

نتایج تربیتی روش الگویی:

الف) اصلاح خود قبل از اصلاح دیگران؛ این روش عاملی است در اصلاح خود الگو زیر کسی که صالح نباشد، چگونه می‌خواهد دیگران را اصلاح کند.

ب) متقاضی روش الگویی؛ اقتدار و تأمین کردن به اسوه و مقتدای انسانها: یعنی نبی مکرم اسلام (ص)

پ) طرح و معرفی الگوی ممتاز و برجسته؛ در اسلام این مسئله موجب برانگیختن و شور و شغف انسان می‌گردد

ت) تربیت و اخلاق انسانی را ارتقا می‌دهد

ه) کجی‌ها و انحراف جامعه را اصلاح می‌کند

د) تکبر و نخوت را از وجود انسان می‌زداید.

۳. روش امر و نهی در تربیت اخلاقی: امر و معنی فرمودن؛ دستور دادن به کاری و نهی به معنی نهی از منکر زشت شمردن آنچه عفت و شریعت آن وانا پسند می‌داند.

نقش و جایگاه امر به معرف و نهی از منکر در قرآن خداوند قرآن کریم امر به معرف و نهی از منکر را یک مسئولیت همگانی می‌داند و آن را نوعی مدرسانی و یاری میداند. قرآن کبری امتی را که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، بهترین است می‌داند.

جایگاه را یک نوع جهاد می داند: جهاد چهار قسم است: امر به معروف و نهی از منکر راستی در موقع صبر و تنفر از فاسق، امر به معروف و نهی از منکر کنید و گر نه عذاب خدا شامل همه شما خواهد شد.

مراحل امر به معروف و نهی از منکر: ۱. مرحله قبلی ۲. مرحله زبانی ۳. مرحله یدی

ویژگیهای امر به معروف و نهی از منکر: ۱. داشتن اخلاص، کسی که در مقام ناهی قرار می گیرد باید صرفاً به قصد قربه الی الله اقدام کند و هیچ چیزی را با نیت خود نیامیزد ۲. پرهیز از خوپسندی کسی که در این مقام قرار دارد نباید خود را برتر از دیگران بداند و آنان را با دیده تحقیر بنگرد.

۲. برابری، در این مسیر معمولاً را همواره نیت و همواره باید برای اجرای تکلف بردیاری در پیش گرفت.

روشهای امر به معروف و نهی از منکر: در تربیت اخلاقی: ۱. برخورد نیکو و پسندیده داشتن ۲. برخورد از مهربانی و دلسوزی ۳. روش دعوت عملی: مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان کسی که امر به معروف و نهی از منکر میکند باید دلسوز و مهربان باشد و خود خلاف آنچه می گوید عمل نکند.

۴. روش تلقین: تلقین یعنی فهمانیدن و تفهیم کردن، چیزی را در ذهن و فکر کسی حقیقت جلوه دادن، کسی را به چیزی معتقد کردن. تلفیق به نفس یعنی از طریق به زبان آوردن قولی معین، تغییری به مقتضای آن در ضمیر پدید آید. تلقین قولی یعنی یاد آوری و به زبان آوردن اسماء خداوند و گذاراندن آن از قلب موجب می گردد که انسان هنگام خطر از یأس و حرمان

نجات یابد. تلقین اعم از قولی و فعلی و نیز تلقین به نفس به دلیل اینکه امکان تحول درونی و روانی را در ایجاد می کنند، می توانند بسیار سازنده بوده و اگر دارای بعد منفی باشند اثر تخریبی قابل ملاحظه ای بر فرد و جامعه می گذارد.

۵. روش صمت و خرد ورزی

رابطه زبان و اندیشه و خرد زبان و قوه اندیشه چنان به هم وابسته اند که از هر کدام می توان پی به دیگری برد و به دلیل اهمیت آن آیات و روایات بسیاری بدان پرداخت به حضرت علی می فرماید: هیچ انسانی چیزی را در درون خود پنهان نمی کند مگر اینکه در سخنانی که از دهان او می پرد آشکار می شود.

تفاوت صمت و سکوت: ترک سخن به طور مطلق و صمت ترک سخن در اموری که هدف درستی را دنبال نمی کند.

صمت (سکوت) و فرد ورزی در روایات: رسول اکرم در این باره فرمودند: هنگامی که مؤمن را خاموش ببینید به او نزدیک شوید که دانش و حکمت به شما القا می کند و مؤمن کمتر سخن می گوید و بسیار عمل می کند منافق بسیار سخن می گوید . کمتر عمل می کند حضرت علی (ع) می فرماید: سینه و حکمت را در قلب جای داد، در حالی که پر گویی مانع این خصلت است. بر این اساس نتیجه می گیریم که شخصیت انسان در زیر زبانش نهفته است، سخن هر فرد معرف میزان عقل اوست، صمت مانع پرگویی و بیهوده گویی است، صمت و خرد درونی موجب مصونیت آدمی از سخریه و استهزای دیگران می شود.

۶. روش داستان گویی و تمثیل

یکی از شیوه های مؤثر در تربیت اخلاقی استفاده از داستان و بیان سرگذشت اقوام پیش به منظور الگو قراردادن مصادیق مثبت آنان و آگاهی از جنبه های منفی سرگذشت پشتیبان است.

نقش داستان در زندگی انسان ها، تاریخ بی زبان بی زبانی نتایج قطعی و غیر قابل انکار مکتبها، روشها و برنامه های هر قوم و گروهی را بازگو می کند، تاریخ دفتری است که هر ورق آن روایتیگر فصلی از تاریخ جامعه انسانی است، تاریخ و داستان، جاذبه مخصوص دارد و انسان در سر زندگی خود تحت تأثیر این جاذبه شگفت انگیز قرار دارد به همین دلیل قسمتهای مهمی از ادبیات جهان و آثار نویسندگان بنام را تاریخ و داستان تشکیل می دهد.

داستان یوسف بهترین داستان است چون اخلاص توحید را حکایت می کند و ولایت خدای سبحان را نسبت به بنده اش مجسم می کند.

قرآن کتابی تربیتی و ارشادی است که با ظرافت خاص به بیان قواعد فنی و رعایت وجوه هنری و تربیتی می پردازد. قهرمان داستانها در قرآن بلند پایه ، پیشرو و با صفا هستند تا شایستگی سر مشق شدن را بیابند و افراد را دبه سوی پیشرفت تشویق نمایند .

ویژگیهای داستان و زندگی گذشتگان در قرآن عبارتند از عبرت و پند گرفتن، بیان واقعیت ها، حقایق امور را بیان می کند و تجزیه و تحلیل می نماید، معرف مطلوبی برای آشنایی با اسوه ها و الگوپذیری از آنهاست.

مصدق های قرآن در داستان سرایی: ۱. نمونه مهاجرت در راه خدا ۲. الگوی قربانی کردن در راه خدا ۳. نماد پایداری و استقامت در مسیر هدایت ۴. الگوی بت شکنی و مبارزه با خدایان دروغین ۵. الگوی پیکار در راه خدا ۶. نماد کد امنی ۷. نماد ایثار جان به امر خدا.

نتیجه می گیریم که استفاده از داستان سرایی در تربیت اخلاقی فواید زیر را در دارد:

داستانهای قرآنی وسیله ای ماهرانه و هنری در الگوی دهی به مخاطبان خود هستند.

۲. داستانهای سازنده اخلاقی در تربیت روانی، پرورش خرد، تربیت بدن و ... نقش مهمی دارند.

۳. داستان وسیله ی مطلوبی است برای بیان درستی ها و کژ ی ها و چگونگی پیروی یا دوری کردن از آنهاست.

روشهای بازسازی اخلاق

۱. روش توبه: مفهوم توبه بازگشت به خدا از میان بردن وسوسه اصرار به گناه از قلب و قیام به

همه حقوق پروردگانه

توبه سه معنی دارد: الف) پشیمانی ب) عزم بر ترک گناه و بازگشت به آنچه خداوند نهی کرده

است پ) سعی در جبران ستمهایی که بر دیگران روا داشت است.

توبه در اصل به معنی بازگشت از گناه است: توبه به دو قسم است یکی توبه خدا که عبارت

است از برگشتن خدا به سوی عبد به رحمت و یکی توبه عبد که عبارت است از برگشتن بنده

به سوی خدا با استغفار برداری از گناه.

با توبه به اهمیتی که توبه در تحول دورنی انسانها و سازندگی آنها دارد در آیات و روایات بسیاری پیرامون توبه و ضروری آن سخن گفته شده از جمله آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت کرد. سپس خداوند توبه او را پذیرفت. زیرا او توبه پذیر و مهربان است.

رسول خدا می فرماید: توبه کامل پشیمانی از گناه است که وقتی گناه از تو سر زد از خدا آمرزش طلبی و دیگر هرگز مرتکب آن نشویی.

توبه کاری اختیاری است و اختصاص به گناه خاصی ندارد و راهی است که دز طول زندگی در برابر مهم انسانها قرار دارد و عنایتی الهی است به سوی آنها فقط در یک مورد استثناء وجود دارد و ممکن است انسان به توبه رجوع کند و هیچ گاه برگشتی دنیا برای او وجود نداشته باشد، مثل توبه فرعون در هنگامی که عذاب الهی فرار رسید و این توبه چون اختیار و رغبت در آن نیت و جنبه اخطار دارد پذیرفته نیست، یا توبه کسانی که کارهای بدنی انجام می دهند و هنگامی که مرگ یکی از آنها فرا می رسد می گوید الان توبه کردم پذیرفته نیست در نتیجه توبه در واقع تولدی نو و شروعی دیگر برای زندگی است، توبه موجب آموزش گناهان می گردد توبه سمت نکردن به خود است، توبه موجب تقویت اراده و ایمان و منان می گردد توبه در واقع انقلابی است از درون علیه خود و من نفس.

۲. روش عبرت آموزی

عبرت از عبور به مفهوم نفوذ کردن و گذشتن از میان چیزی گرفته شده است.

معنی اصطلاحی آن عبرت گذشتن از حالی به حالی است یا گذری است از آنچه آدمی دید .

ویافته به آنچه که باید بدان پرسد.

فواید عبرت: ۱- صیانت وجود از خطر ۲- بینایی در زندگی یعنی زندگی را از افقی بالا می بینیم ۳- کشف علت‌های بیماری و اختلال انسان ۴- شناخت راه و رمز رشد ۴- هوشیاری به شرایط خود ۵- جلوگیری از سقوط در شباهت در پشت گرمی به راه و روش خود، راه‌های عبرت آموزی و موضوعات پند آموز.

الف. عبرت آموزی از سرنوشت گذشتگان: سیر در نیکوبد احوال گذشتگان و در یافتن عوامل خوشبختی و بدبختی و فهم اسباب عزت و ذلت آنان راهی است نیکو برای تربیت مردمان.

ب. پندگیری از کرده نیکوی دیگران: پس بندگان، خدا از عبرت‌های سودمند پندگیرید و از نشانه‌های آشکار عبرت بگیرید، از آنچه شما را با بیانی رسا ترسانده اند.

پ. پند آموزی از فرجام کار مستکبران به عبرت بگیرید از آنچه به مستکبران پیش از شما رسیده.

د. عبرت گیری از سرنوشت جباران و طاغیان: جباران از آن همه حرمت شکنی و خود کامگی چه بهره بردند و برای خود چه نوشته اند و خستند؟ چرا نباید درس آموخت و عبرت گرفت؟ از رهگذران عبرت‌های، بینشها وسعت می یابد، اشتباهات و لغزش ها کاهش می یابد و دور اندیشی و بالندگی اوج می گیرد، توبه به آیات و روایات معصومین زمینه رشد و سعادت انسان را فراهم می آورد و باعث می شود بسیاری از ویژگیهای مثبت آدمی توسعه یابد از جمله: جلوگیری از سقوط انسان در شهودت، استحکام و قوام بخش به راه و روش‌های، افزایش بصیرت و بینایی انسان، عصمت و پاک دامنی، مصونیت از گناه، تقوا و پرهیزگاری، هشیاری و مراقبت بیشتر در زندگی، بی رغبتی به دنیا و کوتاهی آرزوها.

روش های تثبیت اخلاق

۱. روش ایجاد بینش: بینش به معنی بینندگی، رؤیت، بصیرت و درک اشیاء است. در واقع بصیرت عبارت است از قوه قلبی که نور قدس روشن باشد و با آن قوه، شخص حقایق و باطن اشیاء را ببیند.

منابع بینش صحیح در نهج البلاغه: قرآن کریم به حضرت علی قرآن را منبع لایزال کسب بینش و معرفت می خواند از منظر قرآن کریم بینش دارای سه بعد می باشد. الف) اعطای بینش درباره حقیقت و گوهر وجودی انسان، برتری کلام پیرامون ارزش واقعی انسانها که در قرآن بیان شده، انسان سجده فرشتگان، انسان خلیفه خدا در زمین است.

ب) اعطای بینش درباره دنیا و جایگاه آدمی در آن به حقیقت دنیا: دنیا خانه ای است پوشیده از بلاها، به حيله و نیرنگ شناخته شده نه حالات آن پایدار و نه مردم آن از سلامت برخوردارند اگر دنیا فریبمان ندهد و فریبینه آن نشویم با این دید که دنیا کشتگاه آخرت و در گذر است همواره توشه ای چون ایمان بر خواهیم داشت.

پ) اعطای بینش در زمینه مرگ و جهان مرگ و جهان آخرت: بینش انسانها نسبت به مرگ دو گونه است؛ دسته ای هستند که مرگ را پایان راه می دانند و دنیا را تمام هستی خود از این رو به سختی آن روبه رو می شوند. دسته ای دیگر مرگ را حیاتی نوین و جاودانه می دانند، زندگی برای او معنا پیدا می کند و همواره در حال استقبال از مرگ است.

روش اعطای بینش موجب ایجاد بصیرت در انجام وظایف و تکالیف فردی و جمعی می گردد، جهت گیری منطقی و اصولی، علاقه ها را سبب می گردد، اعطای بینش موجب برخورد درست

و منطقی با مسائل پیرامونی فرد می‌گردد. دادن بینش صحیح موجب ایجاد و همدلی و رابطه صمیمی میان مربی و متر بی می‌گردد. داشتن بینش صحیحی موجب کاهش دردهای درونی ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و شرایط جامعه می‌گردد.

۲. روش ایجاد عادت (تمرین و تجربه): عادت حالت یا رفتاری است که در اثر تکرار، تلقین و القا به وجود آمده و در ظهورش نیازی به اندیشه و تأمین بنا شده یا خوبی است که بر اثر مداومت برای انسان حاصل می‌شود، عادت برای تبدیل کوششهای آگاهانه و هدفدار انسانی در انجام امور دشوار در زندگی روزمره به امر عادی بخش مهمی از سعی و تلاش فرد را به خود اختصاص می‌دهد تا بتواند در شرایط سخت امکان موفقیت بیشتر را برای افراد فراهم آورد.

استاد مطهری می‌گوید عادت بر دو قسم است: عادت و عادت انفعالیو عادات فعلی آنهاست که انسان تحت تأثیر یک عامل خارجی قرار نمی‌گیرد، بلکه کاری را در اثر تکرار و ممارست و عادت شدن، بهتر انجام می‌دهد. مثل شجاعت و قوت قلب.

روشهای ایجاد عادات پسندیده رد اسلام: اسلام برای ایجاد عادات پسندیده از اهرام تحریک وجدان و پیدا ساختن ضمیر انسان تشویق و ایجاد میل و رغبت با ابراز تکرار بهره می‌گیرد و کم کم صفات مطلوبی را که مورد نظر است ملکه وجود می‌کند.

الف) نماز قرآن کریم: بر ضرورت ایجاد عادت به اقامه نماز به عنوان یک عادت پسندیده چنین می‌فرماید: به خانواده ات امر کن که نماز بخوانند و بر نماز ایستادگی و پافشاری کنند.

ب) روزه: یک تمرین علمی سالیانه است که در تأمین سلامت بدنی و روحی و تربیت اخلاقی فرد بسیار تأثیر گذار است.

ج) حج: حج در واقع یک تمرین علمی است برای تقویت ایمان مؤمن و زدودن کینه و کدورت بین آنها عادت موجب می گردد که می توان و وقت فرد را انجام کارهای کم ارزش تر به انجام رفتارهای ممتاز و برتر معطوف گردد از این رو ایجاد عادات پسندیده و حذف عاداتهای ناپسندیده در کودکان و نوجوان لازمه تربیت اخلاقی محسوب می گردد.

روش های کمکی در اخلاق

۱. روش محبت: محبت از روشهای تربیت اخلاقی اسلام است که با فطرت انسان همخوانی و تطابق بیشتری دارد. خداوند علت اصلی موفقیت پیامبر اسلام را محبت فراوان وی نیت به مردم بیان می کند.

محبت اصطلاحی کلی است که برای جنبه های احساس و هیجانی به کار می رود و منظور از آن هر احساس ابتدایی با ساده مثل خوشی است.

هدف از محبت ، تأمین سلامت و بهداشت روانی در دنیا و آخرت است. رسیدن به این هدف از این راه اماکن پذیر است که انسان نفرت را با مودت پاسخ گوید.

محبت رد قرآن کریم به چند صورت بیان شده: الف) محبت و دلبستگی به حق تعالی که به صورت بندگی و رضا و شکر و مجاهدت و کوشش در راه انجام عمل صالح به منظور تقرب به حق جلوه می کند.

ب) محبت و دلبستگی به دنیا و برخی متعلقان آن، مانند حب نفس و دلبستگی به شهوات، زنان مال، فساد در زمین، اسراف در ذات، وسع و آزمندی.

روشهای ایجاد محبت اهل بیت (ع)

۱. پیوند با آب فرات و خاک کربلا استفاده از نمادهایی که به نوعی ارتباط با اهل بیت (ع) دارد مثل آب فرات و تربت حضرت امام حسین (ع) باعث ایمنی نوزاد و قرار گرفتن مهم امام حسین (ع) در دل او می شود.

۲) استفاده از نیروی فطری علاقه به محبوبیت هر کس دوست دارد مورد علاقه و محبت دیگران باشد و مورد توجه قرار گیرد. امام صادق می فرماید: هر کس از شما که تقوا پیشه کند و در پی اصلاح باشد از ما اهل بیت است.

۳) درک عنایت اهل بیت (ع) به شیعیان توجه دادن به این نکته که پیرامون اهل بیت (ع) مورد عنایت و توبه آنان قرار می گیرد زمینه ایجاد و تقویت ارادت مسلمانان به این خاندان را فراهم می کند.

۴) **بر پایی مراسم و تعظیم شعائر:** نوع برخورد بزرگترها با مناسبت‌های ویژه اهل بیت در زمان سالگرد ولادت یا رحلت آنان تأثیری به سزا بر روح و فکر فرزندان ما می گذارد.

نتیجه می گیریم که محبت معقول و منطقی و به سعادت دنیا و آخرت انسان را تضمین می کند محبت در کانون خانواده موجب بقای نسل می گردد مودت و رحمت میان ارحام و خانواده ها را موجب می گردد.

بهداشت و سلامت جامعه را تضمین می کنند. محبت موجب ایجاد و تحکیم روابط انسانی می گردد.

۲. **روش عبادت:** عبادت علمی است که مکلف بر خلاف هوای نفس و برای بزرگداشت پروردگار انجام می دهد. معنی عبادت هنگامی محقق می شود که عابد به غیر از خدا به کس

دیگر مشغول نباشد و در عملش است که عابد در عبادتش خلوص داشته باشد و عبودیت نهایت اوج تکامل روح انسان و قرب او به خداست و تسلیم مطلق در برابر ذات پاک اوست. بر اساس روایات اسلامی عبادت در پالایش روح انسان نقشی گسترده دارد و عبارت جان و روان آدمی را صیقل می دهد: خداوند ایمان را برای تطهیر دل و روزه را وسیله ای برای پرورش اخلاص بندگان ای کسانی که ایمان آورده اید از نماز کمک گیرید که خدا با صابران است.

ای مردم پروردگار تان را که شما پیشینیان شما را آفریده پرستش کنید تا پرهیزگار شوید. این آیات نشانگر ارتباط نزدیک میان عبادت تقوا و پرهیزگاری و نقش آن در پرورش فضائل اخلاقی انسان است. در نتیجه عبادت موجب توجه به مبدأ آفرینش و احساس حضور می گردد، صفات و فضائل اخلاقی را درونی تقویت می کند و جایگاهی برای رذائل نمی گذارد.

۳. روش ابتلا و امتحان: از میان همه موجودات بشر نوعی از موجودات است که امرش تمام نمی شود و به کمال نمی رسد. مگر با یک سلسله افعال اختیاری و ارادی که آنها نیز سر نمی زنند مگر از اعتقاداتی نظری و عملی امتحان بشری این است که غالباً ما انسانها نیت به باطل حال اشیاء جاهلیم می خواهیم با امتحان آن حالت از آن موجود را که برای ما مجهول است روشن سازیم. اما امتحان الهی چون که جهل در خداوند سبحان مقصور نیت و مفاتیح غیب نزد او است. امتحان او از بندگان برای کشف مجهول نیست، بلکه تربیت عامه الیه است نسبت به انسانها که او را به سوی حسن عاقبت و سعادت دعوت کند. خداوند در قرآن فرمودند: اموال و اولاد شما چیز به جز مایه امتحان شما نیست.

قرآن کریم مسئله ابتلا و امتحان الهی در قالب موضوعات مختلفی بیان کرده است که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف) زمینهای روی زمین وسیله آزمایش اند آنچه درونی است برای زمین زیستی فرییزه قرار دادیم تا مردم را بیازماییم که کدام یک از حیث عمل بهترند.

ب) نوع آفرینش انسان برای آزمایش است: ما انسانها را از نقطه ای آمیخته بیافریدیم تا بیاموزیم و به همین منظور او را شنا و بینا کردیم.

ج) خیر و شر وسیله آزمایش انسانها هستند: هر کس را چشنده مرگ خواهد بود و شما را با خوشی و ناخوشی می‌آزماییم و به سوی ما باز گردانده می‌شوید.

د) اموال و فرزند آزمون هستند: اموال و اولاد شما چیزی به جز مایه امتحان نیت برای شما و خداست که در نزد او ژاداشی بزرگ است.

ه) آزمایش انسان به سبب نافرمانی هایش: آنان را ایتگونه با همان نافرمانی هایشان می‌آزماییم.

ت) آزمایش الهی شامل پیامبران نیز می‌شود: آن زمان که خدای ابراهیم او را با صحنه گهایی بیاموزد.

ی) جهاد در راه خدا آزمونی دیگر است: و شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و صابران شما را بشناسیم و گفتارتان را بسنجیم.

در نتیجه آزمایش‌الهی انسانها را خالص می‌کند، گناهان را ژاک می‌کند، واقعیت‌های درونی هر فرد را می‌شناسد، شداید و سختی‌ها موجب سازندگی و رشد انسانها می‌گردند. ابتلائات از الطاف الهی است. ابتلا و امتحان وسیله اثبات دعوی مؤمنان است.

روش های جهت دهنده ی اخلاق

۱. **روش تکریم شخصیت:** خداوند در سوره علق می‌فرماید: معلم شما خدای اکرم است؛ یعنی محور تعلیم و تربیت دین الهی کرامت است. هدف پیامبران کرامت انسانها است کرامت رد قرآن: تمامی انسانها از نظر قرآن ذاتاً دارای کرامت هستند زیرا افضل موجودات عالم که خداوند او را بر دیگر موجودات برتری داده انسان است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: به فرزندان آدم کرامت دادیم و او را بر دریا و خشکی سوار کردیم و روزیهای خوش و پاکیزه بدو دادیم.

برای رسیدن به کرامت ارزش مورد قرآن کریم باید مسیری را با ویژگیهای زیر طی کرد.

الف) عمل صالح: هر زن و مردی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام دهند به حیات نیکویی درآیند.

ب) شرح صدر: کسانی که در پی کرامت ارزشی اند باید در مسیر ناهمواری گام بردارند که گاهی مقاومت‌های فراوان بر سر راه آدمی قرار می‌گیرد و او را از حرکت باز می‌دارد و اگر آمادگی لازم را نداشته باشد به بیراهه خواهد رفت. باید با شرح صدر (گشادگی گینه و بالا رفتن ظرفیت حمل مشکلات) راه را بپهد.

روشهای تکریم شخصیت کودک: (۱) تعویض مسئولیت پذیری عاداتی است که از ابتدای دوران کودکی (هفت سالگی دوم زندگی) پایه های آن استوار می شود و افزون بر رضایت خاطر وی پس از انجام هر مسئولیت توان او انجام وظایف بالا می برد و موجب گونه ای تجربه و پختگی در زندگی می گردد. بهتر است مسئولیت متناسب با حسن، سلیقه و سن کودک باشد و از تقدیر و تکریم شود.

۲. ارائه فرصتهای مناسب در انتخاب های محدود: هر کودکی مایل است برخی از اشیاء مورد نظر خویش را برگزیند و در مورد آن تصمیم بگیرد این فرصت ارزنده ای است تا در آینده بتواند در انتخابهای بزرگ زندگی نقش درستی ایفا کند.

۳. اختصاص مکان مستقل به کودک احساس مالکیت و مسائلی را معلق به خود دانستن پدیده ای است که از آغاز دوران کودکی در فعالیتهای بازیها کودک با دیگران دیده می شود. اختصاص دادن مکانی مستقل در منزل برای شخصیت کودک کاری است مقید.

۴. انتخاب نام نیکو: شاید کودک به نام خودش بیش از چیزهای دیگر علاقه مند باشد واژه ای که کودک به وسیله آن مورد خطاب قرار می گیرد، از این رو انتخاب چنین واژه ای که کودک باید عمر خود رو با آن زندگی کند از اهمیت خاصی برخوردار است.

۵. پرهیز از سرزنش کودک در میان جمع زمانی که کودک دچار اشتباه می شود تا اندازه ای خود را مشتق سرزنش بزرگترها می داند. این موضوع که انتقاد از عمل کودک، کی و چگونه و توسط چه کسی انجام پذیر اهمیت ویژه ای دارد. استفاده از کودک که طبعی لطیف و نازک دارد در میان جمع اثر مخرب دارد را وارد دچار بر خوردگی و نگرانی می سازد و این کار در فرهنگ اسلامی کاری ناپسند است.

۶. تکیه بر استعداد های فردی کودک: هر فردی به طور طبیعی در یک زمینه (استعداد) نسبتاً قوی و ممتاز می باشد و در ابعاد دیگر استعدادش متوسط یا ضعیف است. از این دو اگر به ضعف هایی در وجود کودک پی بردیم لازم است قبل از ملامت کردن وی بر نقطه درخشان و استعداد مثبت و بی تکیه کنیم و او را متوجه نقاط ضعفش به گونه ای غیر مستقیم بنامیم در چنین صورتی زمینه تکریم شخصیت وی نیز فراهم آمده است.

۲. روش موعظه و تضعیف

موعظه در قرآن: موعظه مورد نظر در قرآن موعظه حسن است. خداوند در قرآن می فرماید این پیامبر مردم را با موعظه حسن به راه خداوند دعوت کن.

موعظه حسن از پیام های تربیتی و هدایتی قرآن برای اصلاح و ساختن انسانها است که برای پیمودن مراتب عالی انسانیت بدون عجزه وری از موعظه آن ره به جایی نخواهیم برد.

موعظه در روایات اسلامی: الف) واعظ بی عمل در ختران آشکار است: نبی مکرم اسلام می فرماید: مردمی از بهشتیان به گروهی از دور خیابان می نگرند و می گویند چرا به دوزخ رفتید؟ به خدا ما به کمک چیزهای که از شما آموخته ایم به بهشت آمدیم دوزخیان می گویند ما می گفتیم ولی عمل نمی کردیم.

ب) گفتار واعظ با عمل روشنی دل است: حضرت علی می فرماید: ای مردم چراغ دل را از شعله گفتار و اعطی با عمل روشن سازید

ج) موعظه پنهانی ستوده است: کسی که برادرش را پنهانی موعظه کند، بی گمان وی را آراسته و آن که به شکار را موعظه کند او را زشت گردانیده است.

د) موعظه غفلت را از بین می برد زنگارهای غفات با موعظه ها زدوده می گردد.

نصیحت در قرآن کریم: نصیحت به معنی پند و اندرز است . در آیه ۷۹ سوره اعراف آمده است،
آنگاه صالح از آنان دور شد و گفت: ای قوم! من پیغام خدای خویش را رساندیم و به شما
نصیحت در روایات اسلامی: پند و اندرز دادن به دیگران برای رشد جامعه ضروری است پیامبر
می فرمایند: اساس دین بر پایه خیر و اندرز دادن به دیگران برای خدا و دین خدا و پیغمبر می
فرماید: خدای والا فرمود محبوبترین عبادتی که بنده برای من کرد، نصیحت کردن برای من
است. نکاتی که در موعظه و نصیحت کردن بید آن توبه کرد عبارتند از:

۱. محور و اتکاء ما در نصیحت و موعظه باید بر روی فرد نصیحت شونده باشند به گونه ای که
همواره دریابد که شما در پی خیر و صلاح او هستید.

۲. تأکید شود که خود او با تلاش و جدیت وارده می تواند خود را از مشکلات نجات دهد.

۳. از داوری شتابزاده باید پرهیز شود.

۴. در موعظه و نصیحت کردن و توانایی و قوه تشخیص و تمیز فرد را باید در نظر گرفت و
نصایح را بر آن اساس سامان داد.

۵. کنار نصیحت و موعظه معرفی الگوی های شایسته موفقیت بیشتری را نصیب ما می کند.

در نتیجه نصیحت و موعظه کردن در جمع ممکن است نتایج معکوس در برداشته باشد. واعظ
و ناصح بدکردار نه تنها خود در خزن مبین خواهد بود بلکه تأثیر کلام او نیز کم خواهد شد
واعظ درون برای هر انسان از ضروریات حیات متعالی انسانی اوست.

محبت و خیر خواهی موعظه و نصیحت کننده باید رد موعظه و نصیحت او دیده شود.

۳. روش تشویق: تشویق به معنای به شوق افکندن و اغلب ساختناست. در تعلیم و تربیت و روانشناسی کلماتی همانند تقویت، تشویق، محرک مفهومی نزدیک به تشویق را دارا هستند.

تشویق در قرآن: از شیوه های مؤثر تشویق در کلام الهی، در نظر گرفتن پاداش های است که به میزان دو یا چند برابر به صالحان وعده داده شده است. کیست که برای خدا وام دهد تا خدا آن را برایش چندین برابر کند.

۱. شیوه های تشویق در قرآن: تشویق پیامبر اسلام ۲. تشویق حضرت یوسف ۳. بکارگیری واژه های (عسی) و (لعل) این نشان دهنده ی آن است که خدا حدی برای انسان تعیین نمی کند و این سیر تحولی به طور محدود ادامه دارد.

۴. تشویق متقین و پرهیزگاران: خدای تعالی نسبت به متقین، عنایت و لطف خاصی دارد و در نوع تشویقی هم که خطاب به آنها فرموده تکریم و توقیر خاصی را در نظر گرفته است.

۵. تشویق ایمان آوردگان: خطاهایی که عبارت (یا ایها الذین آمنو) در قرآن آمده است نوعی تشویق و تأیید اهل ایمان است. خداوند در قرآن هرگز کافران، مجرمان، مشرکان و بدکاران را مورد خطاب قرار نداده.

۶. ایجاد انگیزه و دعوت به تدبیر: شیوه دیگری که قرآن برای تشویق و ترغیب ایمان آوردگان ارائه می نماید دعوت انسان به تدبیر و تفکر در قرآن است.

۷. تحلیل از مؤمنان: شما و همسرتان شادمانه داخل بهشت شوید به سرور پردازید.

اصول تشویق

الف) علت تشویق از پیش معین باشد تا به تقویت رفتار مثبت بینجامد.

ب) تفاوت‌های فردی باید رعایت شود و هنگام تشویق به ضعف‌ها قوت‌های افراد توجه شود.

ج) تشویق حالت رشوه دادن به خودنگرد.

د) تشویق باید درونی باشد و فرد خود را مشخص تشویق بدانه نه اینکه احساس کند حالت ظاهری و نمایش دارد.

ه) تشویق در حضور جمع مؤثرتر از تشویق در خلوت است و تشویق شونده احساس عزت می‌کند در جمع و در پایان نتیجه می‌گیریم که فطرت انسان ذاتاً گرایش تشویق دارد از این رو در تربیت اخلاقی برقراری نظام تشویق همواره توفقات بیشتری را به دنبال دارد.

برقراری نظام تشویق موجب رهایی بندگان از عذاب الهی می‌گردد، موجب تضعیف بدکار می‌شود تشویق موجب جبران کمبودها و حقارت‌های عاطفی و اجتماعی می‌شود.

تشویق موجب رضایت شخص از عملکرد خود شده و شور و نشاط او بیشتر می‌شود و توانمندی را افزایش می‌دهد.

روش بازدارنده در اخلاق

۱. روش تنبیه: تنبه کردن به معنای چوب زدن و کتک زدن و آگاه کردن است.

تنبه در لغت دلالت بر چیزی دارد که مخاطب از آن نهلت کرده است.

دیدگاه مکتب‌های گوناگون درباره تنبه: دیدگاه‌های فراوانی در زمینه تنبه سخن گفته‌اند.

برخی از دیدگاه‌ها تنبه را یکی از ابزارهای اساسی تربیت می‌دانند و برخی دیگر به نفس عامل آن پرداخته‌اند دیدگاه‌های سنتی تنبه را از عوامل پر اهمیت در نظام تعلیم و تربیت می‌دانند. عباراتی مثل چوب معلم گل است، گوشت او مال شما و پوست و استخوانش مال من، قرار گرفتن چوب، خط‌کنش در فهرست و مسائل کمک آموزشی بیانگر اهمیت این دیدگاه سنتی در جامعه ما بوده است. در زمان‌های پیش معلمان به منظور تربیت و تأدیب شاگردان خویش به تنبیه‌دنی یا زندان متوسل می‌شدند.

ابوعلی سینا تشویق و تنبیه را به منزله ضمانت اجرای تعلیم و تربیت مورد توصیه قرار می‌دهد.

فارابی می‌گوید: تنبه تنها وسیله برای جلوگیری از قبایح نسبت بلکه موجب مبادرت به خیرات نیز خواهد بود.

اسپنسر می‌گوید: بهترین سنتی که باید در تأدیب کودک از آن پیرو می‌شود. مجازات طبیعی است که متجانس با عمل او است، اما تنبه بدنی و توبیخ او از نوع تنبیه و مجازاتی است که فاقد هر گونه ارزش و اهمیت است اسلام و روش تنبه در تربیت اخلاقی:

الف) تنبیه در قرآن: همانطور که گفته شد نظام هدایتی قرآن بر اساس تشویق بنا شده است و ابزارهایی چون موعظه و نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر هم‌آی که ضروری باشد در خدمت این نظام تربیتی قرار می‌گیرد. هنگامی که این شیوه‌ها کارساز نباشد، قرآن شیوه تهدید را پیشه می‌کند و برای بقا و تداوم حیات مطلوب فرد و جامعه شیوه تنبیه را توصیه می‌کند.

برخی آیات در این زمینه: اگر مثل فرشتگان نافرمانی و پشت کردید خدا شما را به عذاب دردناکی دچار خواهد کرد دست و مرد و زن دزد را به کیفر عملشان ببرید، این عقوبتی است که خدا بر آنان مقرر داشته است و خدا معتقد و دانا است - هر یک از زنان و مردان زنان کار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رحم روا مدادید.

ب) تنبیه در بیان معصومین (ع): حضرت علی (ع) می فرمایند: به درستی که خدای سبحان کیفر را بر گناهان خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش باز دارد.

افاردی در سرزنش کردن میزان لجاجت را افزوده تر می کند. تنبیه هنگامی که در جهت سازندگی باشد پسندیده است، و اگر برای ارضای نفس صورت گیر غیر انسانی است.

مراحل تنبیه در اسلام

۱. تنبیه با نگاه: اولین مرحله از تنبیه که ضعیف ترین آن هم هست نگاه سرد و معنی داری است که مری در پی ارتکاب خطا به تری می اندازد.

۲. تنبیه کنایه ای و تلویحی: چنانچه تنبیه با نگاه تأثیر نبخشد باید تنبیه با تلویح را به کار گرفت و از طریق غیر مستقیم برخورد کرد، همانگونه که آمده است. کنایه همیشه از تصریح گویاتر است.

۳. تنبیه با تذکر در خلوت: در این مرحله به شخص در خلوت تذکر داده می شود تا از خطا و اشتباه خود دوری کند این روش که بر انگیختن وجدان و حفظ عزت نفس متر پی در پی دارد می تواند بسیار سازنده باشد.

۴. تنبیه به وسیله تذکر در جمع: اگر چه تنبیه در خلوت اثر نداشت ب ناچار باید اقدام به تذکر در جمع کرد تا بلکه برخی ملاحظات اخلاقی منجر به توقف خطا شود و برای جلوگیری از تسری این خلاف به دیگران ناپسند بودن آن مورد توجه قرار گیرد.

۵. تنبیه با زیر فشار عاطفی قرار دادن: اگر شیوه های قبلی اثر نداشت مربی باید از طریق شیوه قهر عاطفی با فشار روانی خطا کاران را از تکرار عمل ناپسند باز دارند. چون در این روش عواطف فرد مورد تهدید و مواخذ- قرار می گیرد لذا روش مناسبی در ترک عادات نا صحیح محسوب می گردد.

۶. تنبیه بازدن: هر وقت هیچ یک از شیوه هایی که رد بالا ذکر کردیم کار ساز نبود تنبیه بدنی در سطح محدودی برای اصلاح و بیدار کردن کودکان و نوجوانان و جوانان به کار می آید. نکاتی که رد امر تنبیه مهم هست و باید رعایت شوند عبارتند از:

۱. تنبیه زمانی صورت گیرد که تربیت کودک متوقف بر آن باشد یا مصلحت کودک در آن باشد.

۲. در حال ناراحتی و خشم باید از تنبیه خودداری کرد.

۳. قبل از تنبیه باید علتها و ریشه های تخلف را کشف نمود تا از بین بردن آنها زمینه های تکرار تخلف را از بین ببرد.

۴. اگر کودک پیش از تنبیه رفتار نامطلوب را ترک کرد و اصلاح شد، نباید او تنبیه شود.
۵. تنبیه باید حساب شده و سنجیده باشد. نباید در تنبیه زیاده روی نمود چون اثر مثبت خود را از دست می دهد.
۷. تنبیه بهتر است در سخنانی انجام گیرد. مگر اینکه اقدام آشکار موجب تنبیه دیگران شود.
۸. باید مراقب بود که تنبیه بی جا موجب حقیر شدن دانش آموزان می شود و زمینه دروغ گویی آنها را فراهم می کند.
- با توبه مطالبی که راجع به تنبیه بیان کردیم می توان نتیجه گرفت که: اسلام بر خلاف مکتبهای مختلف که جنبه های افراط و تفریط را پی گرفته اند معتقد به حد واسط و اعتدال در تنبیه است.
- قرآن تنبیه را آسان ترین مرحله آن که موجب خثیت قلب می شود شروع می کند.
- گام دوم در تنبیه اسلامی تهدید عذاب الهی است.
- در مرحله ی دیگر نافرمانی خدا را جنگ با خدا می داند
- تنبیه، روش تربیتی نخست نیت بلکه یک روش تربیتی است که بعد از استفاده از روشهای دیگر چون تکریم، محبت، تذکر، تشویق و ترغیب (چنانچه نتیجه مطلوب حاصل شد) از آن بهره می گیرند.